روزنامه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی، فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمدعلی وکیلی
دفتر مرکزی: تهران، زرتشت غربی نرسیده به بیمارستان مهر، پلاک ۵۶، طبقه سوم، واحد ۵
فاکس: ۸۸۹۷۵۷۰۹ **تلفن:** ۸۸۹۷۵۷۱۰-۸۸۹۹۴۶۰۹
سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۰۰۰۴۰۴۰۰۰ رتبه روزنامه: ۳ ebtekarnews@chmail.ir
سازمان آگهی ها: ۰۹۱۲۳۴۰۹۶۱۴ **سازمان شهرستان‌ها:** ۴۴۲۷۶۱۷۶ - ۴۴۲۵۹۱۳۹
توزیع: شرکت نشرگسترامروز چاپ: روزتاب- ۴۴۵۴۵۰۷۶

اوقات شرعی

یادداشت

نگاهی به کتاب «مترجم روسی» به نویسندگی «مایکل فرین»

زندگی روزمره در شوروی سابق

سیدحسین‌رسولی
seyyed.hossein.rasouli@gmail.com

رمان «مترجم روسی» پس از رمان «جاسوس‌ها» دومین رمان «مایکل فرین» است که در نشر چترنگ منتشر می‌شود. این رمان در ۲۶۳ صفحه و قیمت ۲۳ هزار تومان در دسترس رمان‌دوستان قرار گرفته است. این رمان‌ها هر دو به ترجمه کیهان بهمنی است. اولین آشنایی من با فرین مربوط به نمایشنامه «کپنهاگ» (۱۹۹۸) می‌شود که جایزه «وایت برِد» (۲۰۰۲) را هم ربوده است. نمایشنامه‌ای به غایت عجیب و غَریب و غامض که خواندنش صبر و حوصله فراوانی می‌خواهد. فرین تحت تأثیر شدید «آنتون چخوف» روس است. او نمایشنامه‌های مهم چخوف مانند «باغ آلبالو»، «مرغ دریایی» و «سه خواهر» را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است؛ ولی در نمایشنامه «کپنهاگ» با شخصیت‌های واقعی در زمینه و زمانه جنگ جهانی دوم آشنا می‌شویم. شخصیت‌هایی مانند «ورنر هایزنبرگ»، «نیلس بور» و «مارگارت بور» (همسر بور) که ملاقات‌های آنها منجر به ساخت بمب اتم شده است. برای خواندن و درک این نمایشنامه باید فیزیک معاصر را به خوبی مطالعه کنید. برای همین می‌گویم که خواندنش بسیار مشکل است. رمان «مترجم روسی» هم تاریخی است. فرین در همین باره می‌نویسد:

«من خودم زمانی مترجم زبان روسی بودم. اوایل دهه ۱۹۵۰ و در اوج دوران جنگ سرد. بسته‌شدن شرق برلین توسط شوروی ناگهان احتمال جنگ با این کشور را افزایش داد. در سال ۱۹۴۸، دولت انگلستان به این نتیجه رسید که غیر از مهاجران روسی‌الاصل، که احتمالا از نظر وفاداری به دو دسته تقسیم می‌شدند، ما تقریبا هیچ‌کسی را برای اجرای عملیات اولیه جاسوسی، مثل استراق‌سمع ارتباطات دشمن یا بازجویی از اسرا، نداریم. البته تصور ما این بود که با جان به در بردن از کشتار جنگ، دیگر نه نیازی به استراق‌سمع است و نه اسیری برای بازجویی وجود خواهد داشت. در آن دوران در انگلستان خدمات سربازی اجباری بود و بنابراین ما به اندازه کافی نیروی جوان داشتیم. خیلی از آن جوان‌ها هم ظاهرا در زبان‌های خارجی مهارت داشتند. بسیاری از آن‌ها تازه دوران تحصیلتشان را به پایان رسانده بودند و (هرچند اکثر خیلی موفق نبودند) در دبیرستان سعی کرده بودند زبان فرانسه یاد بگیرند. بدین ترتیب طی ۱۰ سال بعد، حدود شش هزار نفر از ما در دو گروه، بخشی در پادگان‌های نظامیِ قدیمی و بخشی در دو دانشگاه لندن و کمبریج، زبان روسی آموختیم و به‌عنوان مترجم شفاهی و کتبی آموزش دیدیم. با این حال و علی‌رغم عنوان این رمان، این اثر به هیچ‌وجه بازتاب زندگی شخصی من نیست. در واقع دانستن زبان روسی باعث شد پای من به مسکو باز شود و با دنیایی که حوادث این رمان در آن رخ می‌دهد، آشنا شوم. این موضوع مربوط به سال ۱۹۵۶ و زمانی است که به‌عنوان یک دانشجوی کارشناسی معمولی در دانشگاه کمبریج فلسفه می‌خواندم. سه نفر از ما که همزمان در حال گذراندن آموزش‌های خدمات همگانی بودیم، همراه با دو خانم، که آن‌زمان در دانشگاه زبان روسی می‌خواندند، تصمیم گرفتیم به روسیه برویم و سرزمینی را که مردم در آن به این زبان سخن می‌گفتند، از نزدیک ببینیم. به نظر ما فقط کنجکاو بودیم تا بدانیم پشت آن پرده تیره و کاملا بسته چه می‌گذرد و احتمالا به خاطر چنین تلاشی، پاداشمان امکان تمرین عملی زبان روسی بود.»

رمان‌های فرین پر از جزئیات ریز و درشت است. او مانند دیگر نویسندگان انگلیسی هوش و ذکاوت فراوانی دارد. روابط آدم‌ها را هم به خوبی به تصویر می‌کشد. مثلا در ابتدای فصل سوم کتاب می‌نویسد: «در دفتر کوچک و نا مرتب طبقه اول، ساشا زابورین زیر تصویر لنین نشسته بود. در گوشه سمت چپ پایین تصویر، لکه‌ای قهوه‌ای به وجود آمده بود و کم‌کم داشت به اطراف پخش می‌شد. هنوز منینگ در آستانه در بود که ساشا سرش را بالا آورد و به او نگاه کرد. از چهره عصبی و نگرانش می‌شد فهمید که نسبت به هر کسی که از آن در وارد می‌شود، حساس است. با دیدن منینگ لبخند زد. یکی از آن لبخندهای نگران، اما گرم و پدرانه بود. گفت: «پاول. دیر کردی. فکر می‌کردم صبح میری سر کلاس روم.»

«به جاش رفتم یکم تو آفتاب قدم زدم.»

«پس حسابی کیف کردی.»

«آره، متأسفم ساشا»

«پاول، لازم نیست معذرت‌خواهی کنی. به خاطر خودت توصیه کردم بری سر کلاسش.»

«می‌دونم. ببخشید.» به زبان انگلیسی با هم حرف می‌زدند. انگلیسی ساشا همان‌قدر خوب بود که روسی منینگ، اما ساشا اصرار داشت این وظیفه اوست که به زبان مهمان دانشکده‌اش صحبت کند و نه منینگ.»

فضاسازی و پرداخت زندگی روزمره در شوروی سابق نیز یکی دیگر از نکته‌های خوب رمان حاضر است. البته نباید از نظر دور داشت که یک انگلیسی این رمان را نگاشته است و مطمئنا از چشم‌انداز ایدئولوژیک خودش هم داستانش را روایت می‌کند. فرین، در فصل ۳۰ کتاب می‌نویسد: «منینگ تا آنجا که می‌دانست هیچ‌گاه تعقیب نشده بود. هنگامی که تازه به مسکو آمده بود انتظار چنین اتفاقی را داشت.» همین روایت تعقیب و گریز نیروهای مخفی برای مخاطبی که آن سوی مرزها قرار دارد می‌تواند مملو از هیجان و چالش باشد. به هر صورت دیگر نه شوروی است و نه جنگ سرد. خواندن این رمان که برای اولین بار در سال ۱۹۶۶ نوشته شده است، خالی از لطف نیست.

«اپ»تکار

خداحافظی با یاهو مسنجر

مطابق اعلام قبلی، یاهو مسنجر قرار است که امروز و بعد از بیست سال خدمت‌رسانی بازنشسته شده و به کار خود خاتمه بدهد. بنابراین از تاریخ ۲۶ تیر ماه به بعد دیگر نمی‌توانید به چت‌های‌تان در این پیام‌رسان خاطره‌انگیز دسترسی داشته یا در حساب کاربری‌تان ورود کنید.

با این حساب تا فرصت باقی است، شاید بد نباشد که از چت‌های قدیمی‌تان در این پیام‌رسان نسخه پشتیبان بگیرید. یاهو برای این منظور ابزاری طراحی کرده که می‌توانید با استفاده از آن دسترسی داشته باشید. خداحافظی با این پیام‌رسان همانقدر که برای کاربران ناراحت‌کننده است، برای پرسنل یاهو هم کار سخت و دشواری است. تیم یاهو مسنجر با انتشار بیانیه‌ای علت توقف پشتیبانی خود از این برنامه چت قدیمی و پرطرفدار را توضیح داده است: «ما می‌دانیم که طرفداران وفاداری در سراسر دنیا داریم که هنوز از یاهو مسنجر برای صحبت با دوستان‌شان استفاده می‌کنند چرا که این سرویس جز اولین سرویس‌ها و اپلیکیشن‌هایی به شمار می‌رود که به چت و گپ دوستانه یا کاری اختصاص دارند. با این حال از آنجایی که چشم‌انداز ارتباطات گروهی در حال تغییر است، ما تصمیم گرفته‌ایم که ابزار ارتباطی جدیدی بسازیم تا بتواند تمامی خواسته‌های کاربران را به راحتی فراهم آورد.»

در همین راستا یاهو چندی پیش پیام‌رسان Squirrel را به عنوان جایگزین مسنجر معرفی کرد که البته هنوز شاهد فراگیر شدن آن در میان کاربران نبوده‌ایم. اما باید ببینیم که آیا در آینده و با اعمال تغییرات بیشتر، پیام‌رسان جدید شانسی برای جایگزین شدن با یکی از محبوب‌ترین پیام‌رسان‌های تاریخ خواهد داشت یا خیر.

در انتها بد نیست بدانید که با وجود بسته شدن یاهو مسنجر، همچنان می‌توانید از آیدی یاهوی خود در سرویس‌های دیگر این شرکت نظیر ایمیل و Fantasy استفاده کنید.

منبع: دیجیاتو

ماشین‌بازی

خداحافظی با ارزان‌ترین خودروی دنیا

۱۰ سال پیش یعنی در سال ۲۰۰۸ شرکت هندی تاتا خودرویی بنام نانو را معرفی کرد که ارزان‌ترین خودروی دنیا لقب گرفت. این خودرو تنها دو هزار دلار قیمت داشت که یک شگفتی در زمینه مهندسی و کاهش هزینه‌ها محسوب می‌شد. به همین دلیل پیش‌بینی می‌شد نانو در کشورهایی مثل خود هند که عمده جامعه از اقشار ضعیف و کم‌درآمد هستند بتواند به فروش فوق‌العاده‌ای دست پیدا کند. نانو خودرو مردم نامیده شد و برخی انتظار داشتند بتواند همانند فولکس‌واگن بیتل انقلابی در صنعت خودروسازی ایجاد کند؛ اما این اتفاق هیچ‌گاه روی نداد و نانو نتوانست به فروشی در حد انتظارات دست پیدا کند.

حال روزنامه اکونومیک تایمز هند گزارش داده است که ظاهراً تاتا موتورز به تولید نانو پایان داده است چراکه این شرکت در ماه ژوئن تنها یک دستگاه نانو تولید کرده درحالی‌که سال گذشته در همین ماه تعداد ۲۷۵ دستگاه از این خودرو تولید شده بود. در همین رابطه تاتا گفته است که تولید نانو با شکل فعلی نمی‌تواند تا سال ۲۰۱۹ ادامه پیدا کند؛ بنابراین به نظر می‌رسد نانو پس از یک دهه به آخر خط رسیده و پرونده تولید ارزان‌ترین خودروی دنیا به‌طور کامل بسته شده باشد.

نانو یک خودرو چهاردر بسیار ساده بود که از یک پیشرانه کوچک دو سیلندر ۰.۶ لیتری با ۳۷ اسب بخار قدرت و ۵۱ نیوتن متر گشتاور استفاده می‌کرد. این موتور در عقب خودرو نصب شده بود. در سال ۲۰۱۵ نیز تاتا اقدام به ارتقاء و به‌روزرسانی نانو کرده و نسخه جدید آن‌را با نام GenX به بازار عرضه کرد. ارتقاءهای انجام گرفته در این مدل شامل تجهیز به ویژگی‌هایی مانند بلوتوث و پورت USB به همراه باک سوخت بزرگ‌تر، نیروی کمکی فرمان و ارائه گیربکس AMT سفارشی می‌شد. طی این به‌روزرسانی به لطف بهبود شاسی خودرو، ایمنی نانو هم بهتر از قبل شد.

این تغییرات قیمت نانو را به ۳۵۰۰ دلار افزایش داد اما هنوز هم به‌اندازه کافی ارزان بود که عمده اقشار ضعیف جامعه توانایی خرید آن‌را داشته باشند. همچنین هرچند این تغییرات برای خودروی فوق‌العاده ساده‌ای مثل نانو پیشرفت قابل‌توجهی محسوب می‌شد اما بازهم کمکی به نجات آن از باتلاق کاهش فروش نکرد. حتی میزان صادرات نانو به کشورهای دیگر هم سال‌به‌سال کاهش پیدا کرد به‌گونه‌ای که در ماه ژوئن ۲۰۱۷ تنها ۲۵ دستگاه از آن صادر شد و این تعداد در ژوئن امسال به صفر رسید. همچنین نانو در حالی همواره کاهش فروش را تجربه می‌کرد که بازار خودروی هند با رشد مواجه بوده است به‌گونه‌ای که مثلاً فروش خودروهای سواری در ژوئن امسال در هند ۳۸ درصد افزایش داشته است.

با همه این موارد، هندی‌ها هیچ‌گاه به ارزان‌ترین خودروی دنیا روی خوش نشان ندادند زیرا نانو همواره از ایمنی ضعیف رنج می‌بُرد. این نشان می‌دهد که حتی برای اقشار کم‌درآمد هندی نیز ایمنی موضوع بسیار مهمی در خرید خودرو محسوب می‌شود. بنابراین پروژه تاتا نانو برای هر خودروسازی که می‌خواهد در بازار هند موفق شود به یک درس تبدیل شده است. نانو نشان داد صِرف کاهش هزینه‌ها و پایین آوردن قیمت به هر طریق ممکن مثل قربانی کردن ایمنی، ارزشی ندارد.

منبع: پدال (pedal.ir)

بدون شرح
طرح: محمد طحانی

تازه‌های علمی

شکست «هوش مصنوعی» در تشخیص بیماری‌ها

شرکت «بابیلون هلث»(Babylon Health) اخیرا برنامه‌ای ساخته بود که گفته می‌شد با استفاده از «هوش مصنوعی» بیماری‌ها را تشخیص می‌دهد ولی عملکرد این برنامه در تست‌ها به خوبی پیش نرفت و نتوانست بیماری‌ها را به درستی تشخیص دهد.

به گزارش ایسنا و به نقل از تلگراف، پیش از این یک شرکت ارائه‌دهنده خدمات سلامتی با نام «بابیلون هلث»(Babylon Health) ادعا کرده بود که برنامه «هوش مصنوعی» ساخت آن‌ها قادر به تشخیص وضعیت پزشکی کاربران خود است. همچنین این شرکت گفته بود که این برنامه عملکرد بهتری نسبت به پزشکان دارد. ولی نتایج استفاده از این برنامه نشان داد که این اپلیکیشن نتوانست وجود سکته قلبی در بیماران را تشخیص دهد.

سازندگان این برنامه مدعی شده بودند که این برنامه به کاربران این امکان را می‌دهد که از طریق «جی‌پی‌اس»(GPS) به صورت مجازی معاینه شوند و سپس دستورات لازم برای آن‌ها از طریق برنامه تجویز شود.

همچنین گفته شده بود که این برنامه یک ابزار دارد که می‌تواند با استفاده از «هوش مصنوعی» مشکلات قلبی کاربران را تشخیص دهد. عملکرد این برنامه به نحوی بود که کاربران نشانه‌ها و علائم بیماری‌شان را تایپ می‌کردند و سپس تجویزات لازم را از طریق برنامه دریافت می‌کردند.

مجازخانه

Instagram

علی کریمی:
تبریک به بر و بچه‌های کشتی

بهرنگ علوی

twitter

کاپیتان اُف: راهنما بزنی قبض برقت زیاد نمیشه، بزن بزرگوار

Yasaman: انقد صبح زود بیدارشدن واسم سخته که حس میکنم هر یه صبحی که زود بیدار میشم یه هفته از عمرم کم میشه.

کلاه قهوه‌ای: سر صبحی ملت تو خیابون و مترو یه جوری نیگا آدم میکنن انگار ما از خواب بیدارشون کردیم برن سرکار، اعصاب مصاب نمونده واسشون

Proman: این پولی که به عنوان پاداش به تیم قهرمان جام دادن رو به من بدن بازم سر ماه ۱۰۰ تومن کم میارم

Colonel: الان خیابانی بود می‌گفت خب کروات‌ها به خون‌شون برمیگردن؛ نه صبر کنید فرانسوی‌هام باید برگردن خونشون. خب واقعا کمی از انصاف به دوره